



۲۰۱۳/۰۴/۱۱

محمد معصوم هوتک

## اندر باره ترک نژادبودن پشتونها؟ (ترکان - ترکان)

مسائل اکادمیک اگرچه انگیزه های سیاسی و تعصب بررسی گردد، محقق، نویسنده و خواننده هر سه رابه بیراهه میکشانند. ولی اگر بررسی مسایل بااصول اکادمیک صورت گیرد، ولو اگر مسلمات قبول شده راهم موردسؤال قرارگیرند، بایستی پذیرفته شوند. موضوع منشاء و ریشه اقوام پشتون از صدها بدینسو مورد تحلیل و تجزیه قرار گرفته است. تحقیقات زبانشناسی صده گذشته ثابت ساخته است که ریشه ساکی پشتونها از جمله مسلمات بوده و دانشمندانی چون گنورگ مارگنسترنه فقید باتحقیقات چندین دهه خویش آنرا به کرسی نشانده و افسانه های دیگری مانند ترک نژادبودن پشتونها، یاقسمتی از پشتونها را به اصطلاح امروزی، بزبانه دان تاریخ سپرده است.

درین روزها یکبار دیگر نظریه انگیزه های سیاسی و تعصبی افسانه ترک نژادی پشتونها مطرح شده است و قلم بدستان موافق و مخالف خود را بدان مصروف ساخته اند. در اینجا باید خاطر نشان سازم که اگر تحقیقات علمی و بررسیهای اکادمیک به اثبات رسانند که پشتونها از لحاظ انتیکی ریشه ترکی دارند، این قلم منحصراً یک افغان پشتون آنرا به جبین کشاده خواهد پذیرفت. زیرا ترکان جز از کتله انسانستان بزرگ بوده و اگر پشتون نیز ترک باشد، عیبی نخواهد داشت. ولی اگر کسی خواسته باشد، حقایق مسلم لسانی و انتروپولوژیک را در ارتباط منشاء و ریشه اقوام پشتون را نادیده گرفته و تحلیل های علمی را تحت پوشش مصلحت های آنی سیاسی قرار دهند، برای این حقیر مشکل خواهد بود، آنرا بپذیرد.

میحث "ترک (Turk)، ترک (Tarak) و اختلاط این دو کلمه را این حقیر در فصل پنجم رساله کوچک خویش "پیننتی قبیلی و روایتی رینی مورد تحقیق قرار داده است و به پیروی از تحقیقات استاد اجل علامه عبدالحی حبیبی نسبتاً مفصل بیان نموده و خاطر نشان ساخته ام که در کتابهای فارسی نسبت عدم موجودیت اعراب کلمات، کلمه ترک (Tarak) را بعضاً با ترک (Turk) یکی دانسته اند. در آن رساله خاطر نشان گردیده است که عده ئی از پشتونها با اقوام آریایی نژاد ترکان (Tarakan) ارتباط نسلی دارند. و شماری از نویسندگان کلمه (Tarak) را بالفبای عربی و فارسی ترک خوانده و افسانه ترک نژادی پشتونها را بمیان کشیده است.

این ترکان کیهانند؟ در اینجا تحقیقات این قلم را، که در اثریاد هانی دانشمند گرانقدر افغانی دکتور عبدالرازق پالوال صورت گرفته منحصراً یک (hypothesis) به خوانندگان محترم تقدیم داشته و آرزو مند است دانشمندان گرانقدر آنرا نقد نموده و این حقیر را رهنمایی نمایند.

در حدود هفتصد سال قبل از میلاد عده از قبایل جنگجوی هند و اروپایی در مناطق بین یونان، جنوب روسیه، شمال غرب ترکیه امروزی زندگی میکردند. این قبایل دارای زبان مشترک و کلچر مشترک بودند. شیوه زندگی شان شیوه قبایلی "Tribal Homeric" خوانده شده است. این قبایل را "The Trakians" یا "The Thracians" نامیده اند و میگویند که تعدادشان به یک میلیون میرسید. آنها دارای چهل قبیله بودند. در آثار کتبی کلاسیک آمده است که تراکان (The Thracians) جنگجویترین قبایل این منطقه بوده اند. از هیرو دتس نقل قول شده است که تراکان (The Thracians) قوی ترین ملتی میبود، اگر دشمنی قبیلوی و جنگهای قبیلوی در بین خودشان نمیبود. (بنگرید - Christopher Webber - The Thracians (700 BC - AD 46) - ص ۳ چاپ ۲۰۱۰ع) افلاطون در اثر مشهورش بنام جمهوری، تراکان و ساکها را مردمان نهایت دلیر و دارای روحیه عالی جنگی دانسته که در مجاورت یکدیگر زندگی میکنند (منابع انترنیت). در منابع قدیم از تراکان بنام سرخ مویان یاد شده است. منطقه که تراکان در آن زندگی داشتند، بنام تراس (Thrace) یاد شده است. آنها بصورت مجموع دردهات و قریه جات زندگی داشتند و مهمترین شهری که در منطقه (Thrace) ساخته شده بود، سیوتوپولیس (Seuthopolis) نام داشت و مربوط این قبایل بوده است. تراکان دارای پوتانشیال قوی لشکرهای عظیمی بودند. یونانیها و رومیها تمدن بالقان را مورد تهدید هجوم تراکان از شمال دانسته و سخت در هراس بودند. میگویند سکندر مقدونی تراکان را در جنگ با ایسوس (Issos) ترغیب نمودند که تمامی طلا و نقره پارسیها را بغنیمت گیرند. از سلاح، لباس های جنگی، و وسایل رزمی تراکان نمونه های زیادی موجود است.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

گویندکه تراکان نخستین سلطنت را بنام (Odryian kingdom) در حدود ۴۶۰ ق م تاسیس نمود. ادریسیها قویترین قبیله از تراکان بوده و اکثریت شاهان تراکانی مربوط این قبیله بودند. ادریسیها توانستند تمامی قبایل تراکان را تحت یک نظام در آورده و آنها را متحدسازند.

تراکان در حدود قرن ششم و هفتم میلادی بعد از مهاجرت بزرگ سلاویک از منطقه خارج شده و یا در اقوام دیگر منحل شده است. کلچر و زبان تراکان تا قرن سوم میلادی موجود بود. مؤرخین اروپایی تراکان را جز از ساکیهای منطقه دانیوب میدانند (بنگرید: همان اثر - ص ۵) و زبان شان در جمله لسان های هند و اروپایی جای دارد.

این قلم در نظر دارد، اگر خداوند متعال خواسته باشد زندگی مهاجرت و حوادث روزگار مجال دهد، کتاب از کریستوفر ویبر دانشمند انگلیس را راجع به تراکان به یکی از زبانهای رسمی افغانستان ترجمه نماید (ومن الله التوفیق). در این جامیخواهم متذکر شوم که اینجانب مشابهت های زیادی بین تراکان و اقوام کوچی تره کی پشتونها دریافته ام و معتقدم که افسانه ترکی نژاد بودن عده از پشتونها نیز از نام همین تراکان نشئت کرده است. پشتونها را عوض اینکه شاخه از تراکان (The Thracians) بدانند، آنرا از روی غلط فهمی تلفظی به تُرکان نسبت میدهند.

کریستوفر ویبر قبایل تراکان را چنین ثبت کرده اند:

قبایل کوه نشین عبارت انداز: ساینی (Thyni)، ادمانتی (Odomanti)، دیج (Dij)، بیسی (Bessi)، بیسالتی (Bisaltai) و ساتری (Satrai).

قبایل دشتی عبارت انداز:

جیتی (Getai)، مویسی (Moesi)، ادریسی (Odrysi)

(بنگرید: همان اثر - ص ۳)

منابع سنتی (شفاهی و تحریری) پشتونها سه شاخه بزرگ قوم تره کی را موسی، اود، سلیمان خوانده است. (بنگرید: تواریخ خورشیدجهان، ص ۲۱۵ - پینتانه دتاریخ په رباکبني - ص ۱۳۳۶) مویسی (Moesi) و ادمانتی (Odomanti)، شاخه های از تراکان نیز بوده است.

منابع سنتی پشتونها اقوام ساک، سهاک و تره کی را باهم برادر خوانده اند (بنگرید: همان مأخذ)

منابع اروپایی نیر ساکیها و تراکان را عموزاده (cousin) خوانده اند.

منابع سنتی پشتونها کوتی خیل را شاخه ای از قوم تره کی میخوانند. کوتی تره کیها و جیتی (Getai) تراکان باهم شباهت شکلی دارد.

اکثریت کوچیهای تره کی موهای سرخ و چشمان سبز دارند. تراکان نیز چنین معرفی شده اند.

من یقین دارم که تحقیقات مقایسوی انترپولوژیستی و لینگویستیکی بسی مشابهت های این دوشاخه انتنیکی آریایی را آشکار خواهد ساخت. من در شرایط موجود امکانات چنین مقایسه را نداشته و نظر خود را بحیث یک امکان نزدیک به یقین تقدیم داشتم.

پایان

آشاوا - انتاریو

کانادا

۹ - اپریل - ۲۰۱۳ ع

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ